

مراحل تهیه طرح کسب و کار

طرح توجیهی چیست؟

گزارش توجیهی معادل واژه انگلیسی **Feasibility Study Report** می باشد و عبارتست از گزارشی که توجیه پذیری یک طرح را از جنبه های مختلف بازار، فنی و مالی مورد بررسی و مطالعه قرار می دهد. بطور کلی یک گزارش توجیهی از سه بخش به شرح موارد ذیل تشکیل یافته است.

1. مطالعه بازار: معادل واژه انگلیسی **Market Study** بوده که جنبه های مختلف بازار محصول (محصولات) طرح از جمله عرضه، تقاضا، کمبود، بازار هدف و ... را مورد مطالعه قرار می دهد.

توجیه پذیری فنی: معادل واژه انگلیسی **Technical Feasibility** بوده که جنبه های فنی طرح از جمله فن آوری، ظرفیت، محل اجرا، ماشین آلات و تجهیزات تولید و ساختار اجرائی طرح را مورد بررسی قرار می دهد.

تجزیه و تحلیل مالی: معادل واژه انگلیسی **Financial Analysis** بوده و جنبه های مختلف مالی و سودآوری طرح را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد.

بخش های مختلف یک گزارش توجیهی

مطالعات بازار

نخستین مرحله از فرایند بررسی توجیه پذیری هر طرحی مربوط به مطالعات بازار آن می باشد. هر طرحی با توجه به ماهیت آن دارای محصولات یا خدمات (که در حالت کلی محصول نامیده می شود) گوناگونی می باشد که هدف از اجرای آن طرح، ارائه محصول به بازار مصرف است. براین اساس پس از شناسایی بازارهای مصرف محصول و تعیین بازار هدف مورد نظر بایستی به بررسی

همه جانبه این بازار اهتمام ورزید. مهم ترین مواردی که در مطالعات بازار طرح ارائه می گردد شامل تعیین آمار مربوط به میزان تولید، واردات، صادرات و مصرف محصول مورد نظر در طی سالهای مختلف در کشور و همچنین پیش بینی این موارد در طی سالهای آتی می باشد.

پیش بینی تقاضا به عنوان یکی از مهمترین ارکان مطالعه بازار می باشد. بطوریکه با استناد به پیش بینی های انجام شده تحلیل وضعیت آینده صورت می پذیرد. روش های مختلفی برای پیش بینی تقاضا در سالهای آتی وجود دارد که انتخاب روش مورد نظر متأثر از دو عامل زیر می باشد.

1. نوع محصول به لحاظ مصرفی، واسطه ای، سرمایه ای بودن

2. آمار و اطلاعات در دسترس

در ادامه روش های مختلف پیش بینی تقاضای محصول در طی سالهای آتی ارائه شده است .

1- روش روند گذشته یا تداوم روند قبلی

در این روش با فرض این که روند تغییر پارامتر مورد نظر در آینده، مشابه روند سالهای گذشته خواهد بود، از رشد متوسط سالهای قبل جهت پیش بینی میزان پارامتر استفاده می شود. مزیت اصلی این روش سهولت استفاده از آن می باشد، اما نباید این نکته را از ذهن دور نگاه داشت که در بسیاری از موارد، صرف استناد به روند سالهای گذشته می تواند گمراه کننده باشد. زیرا تغییرات و تحولات تکنولوژیکی، فرهنگی و سلیقه ای و تحولات جمعیتی باعث تأثیر در روند تغییر پارامتر مورد نظر خواهد شد.

2- روش سطح مصرف یا مصرف سرانه

در این روش که بطور عمده جهت پیش بینی تقاضای محصول در سالهای آتی استفاده می شود، متوسط نرخ رشد مصرف سرانه در سالهای گذشته محاسبه می شود. پیش بینی تقاضا با لحاظ

کردن متوسط نرخ رشد سرانه و نرخ رشد جمعیت بدست می آید

که در آن:

A جمعیت کنونی

P نرخ رشد جمعیت

n سال مورد محاسبه

C مصرف سرانه در سال پایه

R نرخ رشد مصرف سرانه

X تقاضا

روش فوق زمانی استفاده می شود که امکان استناد به شاخص مصرف سرانه در مطالعه وجود داشته باشد.

3- روش ضریب مصرف

این روش پیش بینی تقاضا برای کالاهای واسطه ای که از آنها برای تولید کالای دیگر استفاده می شود، مناسب می باشد. بطوری که با در اختیار داشتن ضریب مصرف محصول مورد بررسی در بخش های مصرف کننده محصول و پیش بینی تولید کالایی که از محصول مورد بررسی استفاده می نماید می توان به تقاضای محصول مورد بررسی دست یافت. روش فوق در مواردی که امکان تعیین ضریب مصرف محصول فراهم باشد و همچنین امکان پیش بینی تولید کالای مصرف کننده محصول در سالهای آینده فراهم باشد، مناسب می باشد.

4- فرایند مارکو (Markov Process)

در این روش با استفاده از نظرسنجی، برای کالاهای جدید یا نوع خاصی از کالاهای موجود که نیازمند بررسی رفتار مصرف کنندگان محصول اعم از افراد یا گروههای درآمدی و یا صنایع مصرف کننده محصول واسطه ای می باشد می توان از روش فرایند مارکو استفاده کرد. در این روش از طریق پرسشنامه، مطالعه میدانی و یا مصاحبه می توان به نظر سنجی پیرامون تقاضای کالای مورد بررسی پرداخت .

5- روش روند متغیر

در این روش به دلایل تغییر در شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز تحول الگوهای مصرفی ناشی از آنها، بررسی روند تغییرات مصرف یک کالای معین برحسب مورد در ارتباط با تغییر درآمد ملی (یادآمد سرانه) و یا هریک از اجزای تشکیل دهنده آن نظیر سرمایه گذاری ملی (دولتی، خصوصی) مصرف ملی (دولتی، خصوصی) و ... و یا اعتبارات خاص برنامه ای و بودجه خانوار انجام می شود. مقادیر پیش بینی شده برای درآمد ملی و یا هرکدام از پارامترهای فوق را به ترتیب از گزارش های مربوط به برنامه های عمرانی بودجه دولت، بانک مرکزی و سایر سازمان های ذیربط دولتی و ملی می توان تهیه نمود.

در این روش برای تحلیل ارتباط و مقایسه بین روند مصرف کالای مورد بررسی یا روند تغییرات درآمد ملی و یا هر پارامتر دیگر و طریق تناسب ساده و با رابطه همبستگی (Regression) استفاده می شود. در روش تناسب ساده چون میزان روند تغییرات مصرف کالا و روند تغییر پارامتر انتخابی در دوره گذشته معلوم هستند لذا با معلوم بودن روند آینده پارامتر انتخابی، میزان روند تغییرات مصرف کالا در آینده برآورد خواهد شد. از رقم بدست آمده به همان شکلی که در روش قبلی ذکر شد برای پیش بینی میزان تقاضای محصول در آینده استفاده می شود.

بررسی میزان تولیدات محصول شامل گردآوری آمار و اطلاعات مربوط به تولیدات شرکت هایی است که در حال حاضر در حال ارائه این محصول می باشند و در حالت کلی بعنوان رقیب محسوب می گردند. پس از تعیین میزان عرضه محصول که برابر تولید باضافه واردات می باشد بایستی آمار و ارقام مربوط به شرکت ها و یا جمعیت مصرف کننده محصول مورد نظر بررسی و ارائه گردد تا از مقایسه میزان عرضه و تقاضای محصول، تعیین گردد که آیا محصول تولیدی دارای بازار مصرف می باشد و یا خیر؟

در صورت اشیاء بازار داخل کشور جهت ارائه محصول که نشانگر حضور تعداد زیادی از شرکت های مشابه و یا عدم وجود بازار مصرف داخلی می باشد بایستی به صادرات محصول مورد نظر توجه داشت که براین اساس لازم است تا مطالعات بازار در سطح گسترده تری (جهانی) بررسی گردد. همچنین در صورت اشیاء بازار جهانی و وجود رقبای بین المللی متعدد، تنها راه ممکن جهت حضور در این بازار تولید محصول با کیفیت بسیار بالا و قیمت پایین و انجام فعالیت های بازرگانی و تبلیغاتی در سطحی بسیار گسترده می باشد.

نتیجه مطالعات بازار طرح توجیهی، پاسخگویی به سئوالات ذیل می باشد:

آیا برای ارائه محصول تولیدی، بازار مصرف مناسب و مطلوبی در داخل و یا خارج کشور وجود دارد؟

نحوه ورود به این بازار چگونه است؟

کیفیت و کمیت ارائه محصول به بازار مصرف بایستی دارای چه شرایطی باشد؟

چه پارامترهای در بازار مصرف محصول تأثیر گذار است

ریسک ورود به بازارهای داخلی و خارجی به چه میزان است؟

آیا در سالهای آتی وضعیت بازار به همین منوال باقی خواهد ماند؟

توجیه پذیری فنی

توجیه پذیری طرح از لحاظ امکان اجرای آن در بخش توجیه پذیری فنی گزارش توجیهی مورد بررسی قرار می گیرد. در این بخش بررسی های اولیه ای که درخصوص نحوه اجرای طرح تحت عنوان فاز یک طراحی انجام گرفته ارائه می گردد. طراحی فازیک دارای اطلاعات کلی می باشد و حاوی اطلاعات بسیار ریز (Detail) همانند آنچه در فاز دو طراحی است، نمی باشد. این اطلاعات شامل مشخصات زمین محل اجرای طرح، دانش فنی پروژه، ظرفیت، نحوه اجرای عملیات ساختمانی، محوطه سازی و راه سازی، ماشین آلات و تجهیزات مورد نیاز تولیدی، تأسیسات و سایر مواردی است که تحت عنوان هزینه های ثابت سرمایه گذاری مدنظر قرار گرفته است.

کلیه اطلاعات فنی اجرای طرح در مراحل احداث و بهره برداری در این بخش از گزارش توجیهی ارائه می گردد. در این بخش اطلاعات مربوط به هزینه های سرمایه گذاری که شامل هزینه های ثابت سرمایه گذاری، هزینه های قبل از بهره برداری و سرمایه در گردش می باشد بایستی همراه با مستندات (Performa) قابل ارائه در بانک و سایر نهادهای مربوط ارائه و بررسی گردد. همچنین محاسبات مربوط به هزینه های سالیانه تولید که شامل هزینه های تأمین مواد اولیه، سوخت، پرسنلی، استهلاک، هزینه های تأمین مالی، هزینه های اداری و خدماتی و غیره می باشد نیز در این بخش ارائه خواهد گردد. در این بخش زمان بندی و نحوه اجرای طرح بصورت کلی و مرحله به مرحله تشریح می گردد. نتایج مذاکرات با سایر شرکت هایی که بعنوان تأمین کننده تجهیزات و پیمانکار ساخت و بهره برداری بخش های مختلف طرح می باشند با مستندات مربوط در این بخش ارائه می گردد.

ارائه بررسی های فوق الذکر همراه با مدارک مستدل نشان دهنده امکان پذیری اجرای طرح از دیدگاه مسائل فنی می باشد.

اطلاعات جمع آوری شده در بخش مطالعات فنی طرح بعنوان خوراک بخش تجزیه و تحلیل مالی گزارش توجیهی می باشد و بر این اساس بایستی بصورت کامل و دقیق محاسبه و ارائه گردد .

تجزیه و تحلیل مالی

هدف نهایی از اجرای هر طرحی کسب درآمد و سود از محل فروش محصول و یا ارائه خدمات می باشد. اما سؤال بسیار مهم این است که دستیابی به چه مقدار سود به صرفه است و در صورت دست یابی به چه مقدار درآمدی، سهامدار از سرمایه گذاری خویش منفعت لازم را کسب نموده است. لذا جهت دست یابی به معیار و شاخص مناسب جهت تعیین سوددهی و یا عدم سوددهی طرح ها، یک سری شاخص های مالی و اقتصادی در طی سال های گذشته از جانب کارشناسان و اقتصاد دانان بزرگ تعریف و مورد استفاده قرار گرفته است.

هدف از تجزیه و تحلیل مالی طرح در گزارشات توجیهی، دست یابی به شاخص های مالی و اقتصادی جهت حصول تصمیم مقتضی است. خوراک لازم بمنظور محاسبه شاخص های مالی و اقتصادی هزینه های سرمایه گذاری و هزینه های تولید می باشد که در بخش مطالعات فنی گزارش پیش بینی و ارائه گردیده است. در این بخش از گزارش با استفاده از هزینه های سرمایه گذاری، هزینه های تولید، درآمد سالیانه پیش بینی شده برای طرح و سایر مبانی و مفروضات مورد نیاز جهت انجام محاسبات، صورت حساب سود (زیان)، صورت گردش وجوه نقد، ترازنامه پیش بینی شده و سایر جداول مالی و اقتصادی که جهت محاسبه شاخص ها مورد استفاده قرار می گیرد تهیه و تنظیم می گردد.

پس از تشکیل جداول مالی و اقتصادی، شاخص های مهم تأثیر گذار در تصمیم گیری جهت اجرا و یا عدم اجرای طرح با استفاده از فرمول های مربوط محاسبه و بمنظور اتخاذ تصمیم مناسب ارائه می گردد. در این زمینه لازم به ذکر است که اهداف و شاخص های تعریف شده در تحلیل های مالی و اقتصادی بایکدیگر متفاوت می باشد.

تحلیل مالی و تحلیل اقتصادی دو راه اصلی برای آزمون مطلوبیت یک طرح هستند. ابزارهای بکار گرفته شده برای انجام این دو آزمون متفاوت نیستند، اما رویکرد و نگرش آنها تفاوت اساسی دارد. ارزیابی مالی با جریانهای هزینه و فایده از دیدگاه یک سرمایه گذار (بنگاه یا فرد) و ارزیابی

اقتصادی با جریانهای هزینه و فایده اجتماعی سروکار دارند. در نتیجه تحلیل ها یا آزمونهای اقتصادی نسبت به مالی از دیدگاه وسیع تری هزینه ها و فایده ها را لحاظ می کنند. یک بنگاه یا فرد به هنگام سرمایه گذاری به منفعت مالی و ثبات منفعت توجه دارد، در حالیکه جامعه یا دولت به هدف های گسترده تری نظیر افزایش درآمد ملی، اشتغالزایی، ریشه کنی فقر و فایده های معطوف به یک جامعه به طور کلی می اندیشد. در نتیجه هدف های دو آزمون متفاوت است. لذا چنانچه هدف ارزیابی میزان منفعت طرح برای جامعه و از دیدگاه ملی باشد (مانند طرح های ملی)، ارزیابی اقتصادی به کار می آید.

شاخص های مهم مالی و اقتصادی

ارزش فعلی خالص (NPV) Net Present Value

بمنظور محاسبه این شاخص، هزینه و فایده هایی که در دوره های مختلف احداث و بهره برداری از طرح بوجود می آیند تنزیل همه آنها بصورت یک روش مشترک در زمانی خاص بیان می گردد. طبق تعریف، ارزش فعلی خالص پروژه بعنوان ارزش به دست آمده ناشی از تنزیل جداگانه برای هر سال، تفاوت میان ورود و خروج وجوه نقدی در تمام طول عمر پروژه با نرخ ثابت و از پیش تعیین شده بهره را بیان می کند. از دیدگاه ریاضی برای محاسبه ارزش فعلی خالص، ابتدا جریانات نقدی خالص هر سال در عامل تنزیل همان سال ضرب و سپس باهم جمع می شوند.

$$NPV = NCF_0 + (NCF_1 \cdot a_1) + (NCF_2 \cdot a_2) + \dots + (NCF_n \cdot a_n)$$

که در آن NCF_t نقدینگی خالص پروژه در سال t و a_t عامل تنزیل در آن سال می باشد و همچنین $t=0,1,2,\dots,n$ بیانگر اندیس سالهای احداث و بهره برداری از طرح می باشد.

این فرمول را می توان به صورت زیر نیز خلاصه نمود.

$$NPV = \sum (CIF - COF)_t \cdot a_t$$

که در آن CIF جریان نقدی دریافتی طرح و COF جریان نقدی پرداختی طرح در سال های مختلف (t) میباشد. همچنین می توان ارزش فعلی خالص را از طریق فرمول زیر نیز محاسبه نمود.

$$NPV = \sum (Bt - Ct) / (1+i)^t$$

که در آن Bt منافع و Ct هزینه های پیش بینی شده برای طرح در سال t ام می باشد و حرف ابیانگر نرخ تنزیلی می باشد که در کل دوران احداث و بهره برداری از طرح برابر در نظر گرفته شده است.

در حالت کلی اگر ارزش فعلی خالص محاسبه شده برای یک طرح صنعتی بزرگتر یا مساوی صفر باشد، اجرای پروژه از نظر مالی قابل توجیه است و اگر ارزش فعلی خالص محاسبه شده منفی باشد، اجرای پروژه توجیه مالی ندارد.

نرخ بازده داخلی (IRR) Internal Rate of Return

در صورتی که نرخ بازده داخلی (IRR) پیش بینی شده برای یک پروژه سرمایه گذاری از هزینه تأمین مالی بیشتر باشد، پروژه مورد بررسی سودآور خواهد بود، زیرا هزینه تأمین مالی کمترین نرخ بازده مورد انتظار است. تساوی نرخ بازده داخلی پروژه سرمایه گذاری با هزینه تأمین مالی موجب بی تفاوتی بین قبول یا رد پروژه خواهد شد. بر همین اساس پروژه هایی که نرخ بازده داخلی کمتر از هزینه تأمین مالی داشته باشند نیز رد خواهند شد. نرخ بازده داخلی نرخى است که تنزیل گردش نقدی پروژه سرمایه گذاری بر مبنای آن موجب محاسبه خالص ارزش فعلی مساوی صفر باشد. برای محاسبه نرخ بازده داخلی دو راه وجود دارد .

روش اول- از راه آزمایش و خطا نرخ تنزیلی محاسبه گردد که ارزش فعلی خالص طرح را صفر نماید. برای این منظور باید از رابطه زیر استفاده شود.

$$\sum(CIF-COF)/(1+i)^t=0$$

$$i=IRR$$

که در آن (CIF-COF) گردش نقدی خالص طرح در سال t و i نرخ تنزیلی است که ارزش فعلی خالص طرح را صفر کرده و برابر نرخ بازده داخلی می باشد.

روش دوم- روش دیگر محاسبه نرخ بازده داخلی که علاوه برداشتن دقت، وقت کمتری هم نیاز دارد استفاده از فرمول خطی زیر می باشد .

$$IRR=i1+(NPV1(i2-i1))/(NPV1+NPV2)$$

که در آن $i1$ یک نرخ انتخاب شده کوچکتر است بطوریکه ارزش فعلی خالص طرح را مثبت نماید و $i2$ یک نرخ انتخاب شده بزرگتر است بطوریکه ارزش فعلی خالص طرح را منفی نماید. همچنین $NPV1$ ارزش فعلی خالص به ازاء $i1$ و $NPV2$ ارزش فعلی خالص منفی در نرخ تنزیل بزرگتر $i2$ می باشد. باید توجه داشت که $i1$ و $i2$ نباید بیشتر از یک تا دو درصد با یکدیگر تفاوت داشته باشند. زیرا اگر این تفاوت خیلی زیاد باشد فرمول فوق نتایج واقع بینانه ای به دست نمی دهد .

اگر نرخ بازده داخلی از نرخ تعیین کننده که پایین ترین نرخ سرمایه گذاری قابل قبول داخلی است بزرگتر باشد طرح از نظر مالی قابل توجیه است و اگر نرخ بازده داخلی از حداقل نرخ بازده داخلی قابل قبول کمتر باشد طرح توجیه مالی ندارد .

نرخ بازده داخلی تعدیل شده (MIRR) Modified Internal Rate of Return

در محاسبه نرخ بازده داخلی از دیدگاه کل سرمایه گذاری IRR و از دیدگاه سهامدار $IRRE$ فرض بر آن است که کلیه هزینه ها با همان نرخ استقراض گردند که کلیه درآمدها با همان نرخ سرمایه گذاری مجدد می شوند. به بیان دیگر در محاسبه نرخ بازده داخلی فرض بر آن است که کلیه هزینه ها و درآمدها با یک نرخ ثابت تنزیل می گردد اما در صورتی که با توجه به شرایط بازار نرخ تنزیل هزینه ها و نرخ تنزیل درآمدها متفاوت باشد بایستی نرخ هر یک از این دو مورد را

تعیین نمود که براین اساس نرخ بازده داخلی محاسبه شده بصورت Modified Internal Rate of Return و بیان می گردد .

تحلیل حساسیت

باتوجه به اینکه بررسی توجیه پذیری مالی طرح ها معمولا در یک حالت عدم اطمینان انجام می گیرد و هیچگونه اعتمادی به شرایط آتی اقتصادی کشور نمی باشد، تحلیل حساسیت یک فرایند بسیار مفید برای بررسی ریسک سرمایه گذاری می باشد. در نرم افزار کامفار پس از آنکه نرخ بازده داخلی باتوجه به اطلاعات ورودی کاربر محاسبه می گردد، پارامترهای مهم تأثیر گذار در محاسبه این نرخ در جهت های مثبت و منفی تغییر داده می شوند تا تأثیر آنها بر نرخ بازده داخلی تحلیل گردد. نرخ بازده داخلی بطور عمده متأثر از درآمد فروش، داراییهای ثابت و هزینه های عملیاتی می باشد. براین اساس همانگونه که در نمودار نیز مشاهده می گردد این سه پارامتر به اندازه ۲۰+ درصد نسبت به حالت پایه تغییر داده شده اند و در حین تغییر در هر پارامتر سایر پارامترها ثابت مانده است. در هر تغییر یک نرخ بازده داخلی برای طرح محاسبه و ارائه شده است که نتیجه آن جدول و نمودار تحلیل حساسیت نرخ بازده داخلی می باشد.

تحلیل نقطه سربه سر

از آنجا که ارزیابی طرحها در بیشتر اوقات در شرایط عدم اطمینان صورت می گیرد و از آینده اطلاعی در دست نمی باشد ممکن است در تخمین های اولیه دچار اشتباه شود. پروژه پیشنهادی نهایی به هر شکلی که باشد اجزای تشکیل دهنده گوناگون آن باید برای بالا بردن دقت مورد بررسی قرار گیرد. تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری متأثر از بسیاری تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین تغییرات در تکنولوژی، سطح قیمت ها و قابلیت تولید است. لذا برای اینکه تخمین های انجام شده با ضرایب اطمینان بالا صورت گیرند باید معیار تحلیل نقطه سربه سری را انجام داد.

در تحلیل هزینه- فایده و ارزیابی اقتصادی طرحها بعضی مواقع مسائلی پیش می آید که در آنها برای یکی از پارامترها اطلاعات کافی در دست نمی باشد. همچنین ممکن است هدف این باشد که کمترین قیمت و مقدار تولید تعیین شود بطوریکه در آن قیمت و مقدار پروژه بتواند بدون در خطر افکندن وضع مالی خود به فعالیت ادامه دهد. در این گونه موارد از روشی استفاده می شود که در اصطلاح اقتصادی تحلیل نقطه سربه سر گفته می شود. از دید فنی تحلیل نقطه سربه سر تکنیک مهمی است که جهت مطالعه روابط بین هزینه ها، درآمد و سود به کار می رود و طبق تعریف نقطه سربه سر نقطه ای است که در آن بهره برداری از طرح نه سود و نه زیان ایجاد می کند. به عبارت دیگر تحلیل نقطه سربه سری، نقطه ای را تعیین می کند که در آن درآمد فروش برابر با هزینه های تولید است و بدین ترتیب جهت تجزیه و تحلیل این موضوع که تغییر حجم محصول چه اثر بر سود خواهد داشت مورد استفاده قرار می گیرد.

نقطه سربه سری را می توان به سه صورت زیر محاسبه نمود:

روش اول- به صورت سطح تولید یا درصد ظرفیت بهره برداری

در این حالت سطح تولیدی تعیین می شود که در آن هزینه کل طرح با درآمد کل طرح برابر باشد. نقطه سربه سر در این حالت به طریق جبری به صورت زیر محاسبه می شود:

کل هزینه ها = کل فروش

TR (Total Revenue) = کل فروش

TC (Total Cost) = کل هزینه ها

P (price) = قیمت محصول

Q (Quantity) = تعداد محصول

TFC (Total Fixed Cost)= کل هزینه ثابت

TVC (Total Variable Cost)= کل هزینه متغیر

AVC (Average Variable Cost)= هزینه متغیر به ازاء واحد محصول

AC (Average Cost)= هزینه به ازاء واحد محصول در فرمول فوق نقطه سربه سر از رابطه

بین هزینه های ثابت و تفاوت قیمت فروش واحد و هزینه های متغیر واحد تعیین می شود و سه نتیجه عملی از تحلیل نقطه سربه سری در این حالت حاصل می گردد.

هرقدر هزینه های ثابت بالاتر باشد نقطه سربه سر نیز بالاتر خواهد بود.

هرقدر تفاوت بین قیمت فروش واحد و هزینه های عملیاتی متغیر بیشتر باشد نقطه سربه سر پایین تر خواهد بود و در این حالت هزینه های ثابت از طریق تفاوت بین قیمت فروش واحد و هزینه های متغیر واحد سریعتر جذب می شود.

یک نقطه سربه سر بالا نامتناسب است زیرا شرکت را در مقابل تغییرات سطح تولید (فروش) آسیب پذیر می سازد.

روش دوم- به صورت سطح درآمد یا فروش

محاسبه نقطه سربه سری براساس ارزش پولی فروش (به جای حجم فروش) غالباً مفید است. امتیاز اصلی این روش آن است که برای مؤسساتی که تولیدات متعددی با قیمت های فروش مختلف دارند یک نقطه سربه سری کلی محاسبه می نماید. به علاوه این روش به اطلاعات بسیار محدودی نیازمند است. تنها سه ارزش یعنی فروش، هزینه های ثابت و هزینه های متغیر ضروری است. پس در این حالت سطح درآمدی تعیین می شود که در آن سود اقتصادی طرح صفر است. به عبارت دیگر سطح درآمد با توجه به سطح تولید در نقطه سربه سر بصورت زیر محاسبه می شود.

روش سوم- به صورت سطح قیمت محصول

در این حالت سطح قیمتی تعیین می شود که در آن درآمد کل طرح مساوی هزینه کل باشد. این سطح قیمت بصورت زیر محاسبه می شود.